



تهیه و تنظیم:  
مهندس اکبر شیرزاده

# شرو، مسمی در مورد صنعت بافندگی باره

بررسی صنعت بافندگی بارچه در قرن ششم هجری؛  
نوع الیاف و طرح‌های به کار رفته در آن

در این قرن هم کشور ما در دست چندین سلسله و حکام تقسیم شده و مردم در سیطره ظلم، ستم، چپاول و زورگویی‌های حکمرانان با سلیقه‌های متفاوت و مزاحمت حکام و مأموران تحت فرمان آن‌ها زندگی می‌کردند. از یک طرف آل بویه، از طرف دیگر غزنویان و از جانب دیگر خوارزمشاهیان و اتابکان در شیراز و توابع آن هر یک به نوعی بر مردم فشار ده و همگی آنها به نوعی با خلیفه عباسی در تعامل بودند البته برخی با وی دشمنی داشتند مانند آل بویه و خوارزمشاهیان و بعضی دیگر تحت دوستی و هماهنگی و اطاعت امر وی بودند مانند غزنویان، سامانیان و تاحدودی سلجوقیان. هر کدام خطبه در نماز جمعه به نام وی می‌خواندند و سکه به نام وی ضرب می‌نمودند و به فکر مردم، هنرمندان و صنعتگران نبودند و پیوسته آنان را تحت ظلم و ستم قرار می‌دادند.

اینک به بررسی حکومت غزنویان می‌پردازیم و حرکات و رفتار ناپسند آن‌ها را به رشته تحریر در می‌آوریم.

سلسله غزنویان منسوب به غزنه یا غزنین از بلاد  
افغانستان

آخرین سلاطین سامانی، قدرت و نفوذ خود را کف داده بودند و امراء و فئودال‌های بزرگ که به قوای نظامی خود متکی بودند کما بیش در امور داخلی خود مستقل بودند و غالباً سر به عصیان بر می‌داشتند. البتکین غلامی

ترک بود که احمد بن اسماعیل خریده بود، به خدمت خویش گماشته بود و پس از او به خدمت فرزندش نصر بن احمد درآمد. البتکین پس از طی مراحل خدمت به سپهسالاری اردوی سامانی در بخارا و در سال ۳۴۹ به حکومت خراسان ارتقاء یافت. وی با گذشت زمان به صورت فئودالی بزرگ درآمد. البتکین پانصد دهکده را به رسم اقطاع در تصرف داشت و صاحب یک میلیون رأس گوسفند و قریب یکصد هزار اسب و قاطر و شتر بود. پس از آنکه مناسبات البتکین با منصور بن نوح تیره شد، راه افغانستان پیش گرفت و در آنجا به عنوان امیری اقامت گزید. پس از مرگ البتکین، امارت غزنین به دست غلامان وی افتاد و از آن میان سبکتکین ( داماد البتکین) بود قدرت و نفوذ بیشتری داشت وی نیز غلامی ترک نژاد بود که البتکین او را در عهد عبدالملک اول در نیشابور از تجار برده فروش خریده و سپس به دامادی خود برگزیده بود.

این سردار بزرگ و شجاع پس از چندبار جنگ و غلبه بر متنفذین محلی، حوزه قدرت خود را وسعت بخشید و بلخ را پایتخت کرد. پس از مرگ او، پسر بزرگش محمود به اداره امور خراسان سرگرم بود. سبکتکین در دوران بیماری فرزند کوچک خود اسماعیل را به جانشینی برگزید ولی دوران پادشاهی او فقط هفت ماه طول کشید، زیرا فئودال‌ها و متنفذین محلی از اسماعیل تبعیت نمی‌کردند. محمود از این وضعیت آشفته، استفاده کرد و قوای خود را به غزنین برد و حکومت این ناحیه را به دست گرفت.

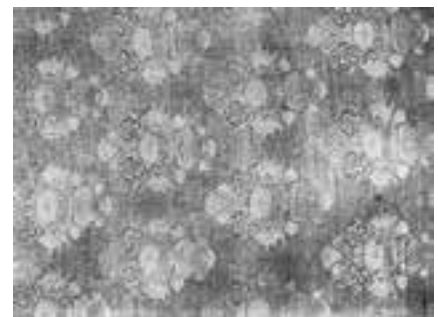
هنرمندان و صنعتگران در این زمان چون امنیت نسبی به دست آورده بودند؛ کم‌کم به توسعه کارگاه‌های خود و تولید پارچه‌های نفیس زربفت افتادند که با وجود امنیت در راه‌ها و حرکت تجار و خریداران، تولید پارچه‌های نفیس بیشتر شده و مردم و حکام و بزرگان به خرید آن مبادرت می‌نمودند. در این شرایط هنرمندان دست به ابتکارات مهمی در تولید پارچه‌های ابریشمی زدند و شاهکارهایی به وجود آوردند؛ اعم از اینکه پارچه‌ها نقش دار مثل بافت یک درخت کامل همراه باریشه‌های آن روی پارچه‌های ابریشمی و نقش زن و مرد عاشق پیشه مانند لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد و امثالهم در روی طرح‌ها ظاهر شدند. به تدریج سرمایه صنعتگران و بافندگان افزایش یافت و به تولید و صادرات پارچه‌های زیباتر پرداختند (تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان شده هجدهم صفحه ۲۸۶)

در ایامی که حکام خراسان علیه نوح قیام کردند، سبکتکین و محمود به یاری او برخاسته و نوح به پاس این خدمت سبکتکین را ناصرالدین و پسرش را سیف‌الدین لقب داد. زمانی که محمود، غزنین را فتح کرد. منصور بن نوح سامانی، محمود را از حکومت خراسان خلع نمود. محمود در آن زمان مخالفتی نکرد ولی همین که منصور نابینا شد نیروی خود را به جانب خراسان حرکت داد. هنگامی که حکومت سامانیان از طرف قراخانیان مورد هجوم قرار گرفت بود؛ از جنوب حمله کرد و خراسان را به تصرف درآورد. پس از آنکه امارت محمود از طرف خلیفه بغداد به رسمیت شناخته

سلطان محمود در فاصله سال‌های ۳۹۲ و ۴۱۶ یعنی در ظرف ۲۴ سال چندین سفر جنگی به هندوستان کرد که ظاهراً نیست او در این جنگ‌ها جهاد با کفار هند بود ولی هدف اصلی او غارت شهرها، معابر و بت‌خانه‌های ایشان بود. وی می‌خواست به نام دین، آلات و ادوات و اصنام سیمین و زرین هندوستان را بر بارید و با جنگ با راجه‌ها و حکام محلی هندوستان، ثروت آن سرزمین را غارت کند.

شد خود را «سلطان» نامید. وی در سال ۳۹۳ سیستان را از تصرف خلف ابن احمد سیستانی خارج کرد و کلیه فئودال‌ها و متنفذین محلی را سرکوب نمود، سپس قراخانیان ترکستان و امرای خوارزم و جرجانیه را محکوم حکم خویش گردانید و تجاوزات یا غزوات تاریخی خود را به هندوستان آغاز کرد.

از مختصات دیگر پارچه‌بافی این دوره، تافته‌های سنگین و چین خورده‌ای است که با شیوه مخصوصی بافته شده و در دوران آن گل و بوته‌ها با فواصل بیشتر از حد عادی در آن نقش شده است و کناره‌های پارچه به قیطان‌های فلزی محدود شده است. رنگ‌های رایج در این نوع پارچه عنابی روشن و آبی فیروزه‌ای است اما رنگ‌های ملایم‌تر مانند گل بهی، آجری، قهوه‌ای، خاکستری و بنفش نیز در این نوع پارچه‌ها معمول بوده است.



تصویر شماره ۱- طرح یک بافت زری کاری اصفهان

تصویر شماره یک، طرح یک بافت زری کاری اصفهان در ابعاد ۷۴×۵۷ سانتی‌متر و مخصوص لباس‌های درباری است. در این پارچه، رشته‌های طلا و نقره به صورت یک در میان و با طرح راه راه بافته شده است. نقش گل‌های آن از ابریشم براق نرم نزدیک به رنگ متن بافته شده است. بلبلی نسبتاً بزرگ، آهویی به نسبت کوچک و پروانه‌ای به اندازه طبیعی از نقوش معمول این

نوع پارچه می‌باشد. بافتن بعضی نقوش کوچک یا البیاف طلا روی زمینه نقره، جنبه تجملی پارچه را افزایش می‌دهد و برای آنکه نفاست پارچه آشکار شود، شاخ و برگ‌هایی از نوع نیلوفر رایج شد. و در تصاویر نقش جانوران و پرندگان عجیب برای زیبایی نمای پارچه افزوده می‌شد که جنبه تزئینی داشت. این نقوش در طرح پارچه تکرار می‌شد و اغلب چنان در کنار هم قرار می‌گرفت که بیننده احساس حرکت مورب می‌نمود.

#### حمله محمود به هندوستان

سلطان محمود در فاصله سال‌های ۳۹۲ و ۴۱۶ یعنی در ظرف ۲۴ سال چندین سفر جنگی به هندوستان کرد که ظاهراً نیست او در این جنگ‌ها جهاد با کفار هند بود ولی هدف اصلی او غارت شهرها، معابر و بت‌خانه‌های ایشان بود. وی می‌خواست به نام دین، آلات و ادوات و اصنام سیمین و زرین هندوستان را بر بارید و با جنگ با راجه‌ها و حکام محلی هندوستان، ثروت آن سرزمین را غارت کند.

برای آنکه هدف واقعی سلطان محمود و شیوه غارتگری وی روشن شود، بخشی از جریان فتح سومنات را از «زین الاخبار» گردیزی نقل می‌کنیم: «پیش او (محمود) حکایت کردند که بر ساحل دریای محیط شهری است بزرگ و آن را سومنات گویند... و اندر او بت بسیار است از زر و سیم... چون امیر محمود این خبر بشنید او را رغبت افتاد که بدان شهر شود... روی به سوی سومنات نهاد... کشتنی کرد هر چه منکر تر... و گنجی بود اندر زیر بتان، آن گنج را برداشت و مالی عظیم از آنجا به حاصل برد، چه بتان سیمین و جواهر نشان، و چه گنج از دیگر غنیمت‌ها، و از آنجا باز گشت»

در تاریخ فرشته می‌نویسد: «سوقتی که سلطان می‌خواست سومنات را بشکند، جمعی از براهمه به عرض مقریان درگاه رسانیدند که اگر پادشاه این بت را نشکند و بگذارد، چندین زر به خزانه عامه واصل سازیم. ارکان دولت این معنی را به سمع سلطان رسانیدند... سلطان فرمود اگر این کار را بکنم مرا محمود بت فروش خواهند گفت و اگر بشکنم، محمود بت شکن. خوشتر آنکه در دنیا و آخرت مرا محمود بت شکن خوانند...» این بود اجرای حق و گسترش اسلام مورد توجه محمود!

با ویران شدن معبد سومنات یکی از آثار گران‌بهای هنری هندوستان از بین رفت. سقف این معبد به شکل

هرمی در ۱۳ طبقه بود و ۵۶ ستون از چوب و عاج آن را نگه می‌داشت. بر فراز بت، ۱۴ گنبد طلائی قرار داشت. بت در میان مسجد قرار گرفته بود و تاجی مرصع از جواهر بر سر او آویخته بودند. خزائن معبد پر بود از جواهرات گرانبهایی که زوار و راجه‌های هندی در طول سالیان طولانی به آنجا فرستاده بودند. قیمت این ذخایر را که به دست محمود به غارت رفته است تا ۲۰ میلیون دینار نوشته‌اند.

در این زمان در کلیه شهرهای ایران، بافتن پارچه‌های نفیس آغاز شده و چون کشور از امنیت نسبی برخوردار شده بود؛ در به کار بردن پارچه‌های تولید شده بسیار عالی، فوق‌العاده اسراف و زیاده‌روی کردند به همین جهت کارخانه‌ها مقادیر زیادی از آن‌ها را تهیه می‌نمودند. علاوه بر مصرف داخلی مقدار عمده‌ای از آن را تجار به بازارهای اروپا و روسیه حمل می‌کردند و در آنجا نیز اقبال مهمی به آن می‌شد.

نساخان ایرانی کوشیده‌اند تا به بافت انواع و اقسام پارچه‌هایی از قبیل حریر و پارچه‌های کتان و اطلس و مشابه آن‌ها و غیره مهارت یافته و در رنگ‌آمیزی‌های جدید و با طراوت نیز موفقیت جهانی نصیب خود کنند و توانستند دقیق‌ترین و زیباترین انواع رنگ‌ها را به کار برند؛ همچنین در تزئین و طراحی نقشه قماش نیز به درجه‌ای می‌رسند که مانند آن سابقه نداشت. انواع گل‌ها و بادبزن‌های نخلی (پالمت) و مناظر سبز و خرم باغ و گلزار و پرندگان و اشکال ابرهای چینی در تزئین پارچه‌ها و قماش‌ها به کار می‌رفت. به علاوه این نقش‌ها و نگارها در قالب بسیار زیبا و جذاب، دلالت بر خوش ذوقی و کمال صنعت داشت.

در جوامع الحکایات عوفی نوشته شده است: «سلطان محمود در سومنات بتی دید که در فضا معلق بود با شگفتی گفت: این از عجایب ایام و نوادر اشیاست. از یاران خود پرسید که شما درباره این بت و ایستادنش در هوا چه می‌گویید، بعضی گفتند که آنرا به بندی نهفته آویخته‌اند، محمود گفت تا یکی نیزه‌ای از همه سوی بت حرکت دهد و بیازماید، آن نیزه به هیچ مانع برخورد، یکی از حاضران گفت چنین پندارم که این گنبد را از سنگ مغناطیس ساخته‌اند و این بت از آهن است و سازنده بدقت تمام همه جوانب را با رعایت میزان جذب مغناطیس بنا کرده است چنانکه هیچ طرف بردیگری نمی‌چربد و بت بدین سبب در میان گنبد آونگ مانده

نساخان ایرانی کوشیده‌اند تا به بافت انواع و اقسام پارچه‌هایی از قبیل حریر و پارچه‌های کتان و اطلس و مشابه آن‌ها و غیره مهارت یافته و در رنگ‌آمیزی‌های جدید و با طراوت نیز موفقیت جهانی نصیب خود کنند و توانستند دقیق‌ترین و زیباترین انواع رنگ‌ها را به کار برند؛

## دینی کشت.

در کتاب مجمل‌التواریخ و القصص که در سال ۵۳۰ هجری در عهد سلطان سنجر تالیف شد و نویسنده آن مجهول است، لشکر کشی محمود بن سبکتکین به شهر ری چنین تصویر شده است: «سلطان پس از آنکه از ری خواسته و اموال فراوان گرد آورد و نزد خلیفه القادر بالله فرستاد، دستور داد تا بزرگان دیلم را به دار آویختند، عده‌ای را در پوست گاو دوخت و به غزنین فرستاد.» سپس می‌گوید: «مقدار پنجاه خروار از دفتر روافض و باطنیان و فلاسفه از سرهای ایشان بیرون آورد و زیر درخت‌های آویختگان بفرمود سوختن و این معامله سلطان محمود آن وقت کرد که همه علما و ائمه شهر حاضر کردند و بدمذهبی و بدسیرتی ایشان درست گشت و به زبان خود معترف شدند و دولت از خاندان بوئیان نقل کرد «به گفته بیهقی، محمود همین که در مذهب کسی مشکوک می‌شد، اگر بوحنیفه به علم بودی او نگاه نکردی و بر دار کشیدی و بیش از صد هزار کس را از بد دینان بدین علت از جهان برداشته بود.» به طوری که بیهقی نوشته است، محمود به تسخیر ری قانع نبود و در سال‌های آخر عمر آرزو می‌کرد که به مغرب و شام حمله کند و در آنجا «مبتدعان، فلاسفه، زنادقه و ملاحده و قرامطه...» را که در مناطق شام و مصر، علم کفر و ضلالت برافراشته بودند به شدت سرکوبی کند و این مناطق را بار دیگر به خلفای عباسی سپارد.

در تاریخ گردیزی فاجعه ری چنین یاد شده است: «خبر آوردند امیر محمود را که اندر شهر ری و نواحی آن، مردمان باطنی مذهب و قرامطه بسیارند؛ بفرمود تا کسانی را که بدان مذهب متهم بودند حاضر کردند و سنگریز کردند و بسیار کس را از اهل آن مذهب بکشت و بعضی را بیست و سوی خراسان بفرستاد، تا مردند اندر قلعه‌ها و حبس‌های او بودند.»

زیادی به دست آورد و ۳۵۰ فیل و ۵۳ هزار غلام به غزنین برد. بعضی از منابع تاریخی نوشته‌اند اسرای که توسط محمود کوچ داده شد به قدری زیاد بود که در شهرها برای سکونت آن‌ها محلی نبود و مجبور شدند برای سکونت آن‌ها محل جدیدی بسازند. سلطان محمود پس از تصرف هندوستان و مناطق وسیع دیگری با دادن تلفات سنگین سرزمین غور را در افغانستان به تصرف در آورد، سپس خوارزم و بلخ را تسخیر کرد و بعد بسیاری از نواحی ماورالنهر را به تصرف شد و در سال ۴۲۰ به قصد فتح ری و اصفهان حرکت کرد.

تصویر شماره دو، قطعه‌ای از یک پارچه ابریشمی است که با مهارت فوق‌العاده در شهر ری بافته شده است. می‌توان احتمال داد که این پارچه ابریشمی جزو هدایایی بوده که دوستان و یا خویشاوندان متوفی برای پوشانیدن جسد به وی اهداء کرده‌اند و این عمل حتی در دوره‌های اخیر نیز با ترمه‌های نفیس تقدیمی انجام می‌گیرد. موضوع تصویر شماره دو، مردی با لباس فاخری است که دستهایش را از دو طرف به کمر بندگی که قلاب مجللی دارد تکیه داده، موی سرش با جواهری تزیین و مرتب شده است و چکمه بلندی بر پا دارد. پای این صورت روی چیزی قرار نگرفته و گویا در هوا معلق است اما از زیر بغل او دو نوار عبور می‌کند و این دو نوار به گردن مرغ دو سر عظیمی متصل می‌شود. این مرغ دو سر، بالاهای خود را گسترانده، فرد را در میان بال و پاهای خود گرفته و به آسمان می‌برد. با مطالعه دقیق این نقش شکی باقی نمی‌ماند که موضوع آن صعود انسان به آسمان به وسیله پرنده‌های عظیم (شاید سیمرغ) است که در داستان‌های عهد اسلامی در ایران فراوان دیده می‌شود و اصل و منشا آن در داستان‌های حماسی ایران (داستان کیکاووس) و داستان‌های سومری مانند داستان گیلگمش می‌توان دید.

## فجایع محمود در ری

محمود پس از تصرف و چپاول و غارت ری بر خزان و کتابخانه گران‌بهای و ذی‌قیمت مجدالدوله دست یافت و پس از تصرف یک میلیون دینار وجه نقد و پانصد هزار دینار جواهر او، بسیاری از کتب نفیس، گران‌بها و کم‌نظیر مجدالدوله را به این عنوان که حاوی مطالب فلسفی، حکمتی و نجومی است سوخت و از بین برد و حکومت دیالمه را برانداخت و عده زیادی را به جرم بد

است. بعضی از حاضران موافق و برخی مخالف شدند، او گفت، اجازه ده تا دو سنگ از بالای گنبد بگیرم، محمود اجازه داد و او چنین کرد و بت به یک سو کژ شد تا تمام سقف را برداشت، آنگاه بت بر زمین افتاد. «وقتی سومنات را بشکستند درون شکم آن مجوف ساخته بودند آن مقدار جواهر نفیسه و لعالی شاهوار بیرون آمد که مساوی آنچه بر همان می‌دادند، بود.»

## غرض محمود از لشکر کشی‌ها

مورخان اسلامی عموماً می‌نویسند که مقصود محمود از لشکر کشی‌ها به هندوستان برانداختن کفر و بت پرستی از آن سرزمین و انتشار دین اسلام بوده است. در این که محمود سنی حنفی متعصب و در برانداختن کفر کوشا بود است و به خلافت عباسیان ایمان داشته، شکی نیست و این امر را از مطالعه جزئیات احوال او و رفتار وی با کفار و پیروان سایر فرق اسلام، مانند اسماعیلیه، قرامطه و شیعیان نیک می‌توان دریافت، چنان که رسول خلیفه فاطمی مصر را برخلاف آداب و رسوم درباری و سلطنتی قدیم بکشت و چون در سال ۴۲۰ بر ری دست یافت گروهی از بزرگان و مردم آن شهر را به تهمت فرمطی بودن بردار کرد؛ ولی مسلم است که دینداری و تعصب، یگانه محرک لشکر کشی‌های او به هندوستان نبود.



تصویر شماره ۲ - قطعه‌ای از یک پارچه ابریشمی

محمود پس از لشکر کشی به هندوستان جواهرات